

شناسایی و تحلیل پیامدهای ناشی از جابجایی سکونتگاهی: مطالعه‌ای قوم‌نگارانه روستای گرازی در شهر تایباد

محمدعلی محمدی قره‌قانی^۱، رسول لوائی آدریانی^{۲*} و ایرج قاسمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷

چکیده:

جابجایی از جمله پدیده‌هایی است که در حوزه سکونتگاهی مورد بحث قرار می‌گیرد. چنین پدیده‌ای اغلب در اثر بروز عوامل طبیعی یا انسانی در مناطق روستایی به اجرا در می‌آید. بی‌شک جابجایی سکونتگاهی که مشتمل بر تغییر مکان یک جمعیت از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر است، پیامدهای مطلوب و نامطلوبی را به دنبال دارد که جوانب مختلف زندگی گروه هدف را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بر این اساس، شناسایی پیامدهای ناشی از فرایندهای جابجایی نقش مهمی در مدیریت این فرایندها دارد. در این زمینه، هدف اصلی تحقیق حاضر تحلیل پیامدهای ناشی از جابجایی سکونتگاهی در روستای گرازی از توابع شهرستان باخرز در استان خراسان رضوی بود. این مطالعه با رهیافتی کیفی و به شیوه قوم‌نگاری انتقادی انجام شد. جامعه آماری پژوهش مشتمل بر آن دسته از اهالی روستای گرازی بود که تجربه مشترک جابجایی سکونتگاهی داشتند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. اشباع نظری به عنوان معیار تعیین حجم نمونه مورد نظر قرار گرفت. داده‌های این پژوهش با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مشاهده مشارکتی جمع‌آوری شدند. نتایج تحقیق نشان داد پیامدهای ناشی از جابجایی سکونتگاهی در روستای گرازی مشتمل بر سه بعد فیزیکی- کالبدی، اجتماعی و اقتصادی است. بی‌توجهی به بسترهای اجتماعی و کالبدی روستای پیشین سبب بروز پیامدهای نامطلوب اجتماعی و تغییر ساختارهای شغلی شده است. پیامدهای نامطلوب کالبدی زمینه‌ساز پیامدهای اجتماعی، نظیر تعارضات اقشار اجتماعی و پیامدهای اقتصادی، نظیر افزایش بدهکاری‌ها، شده است.

کلیدواژه‌ها: پیامد جابجایی، جابجایی سکونتگاهی، قوم‌نگاری انتقادی، روستای گرازی.

۱. استادیار مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران، ایران. ali_gh75@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران، کرج، ایران (نویسنده مسئول).

Lavaeirasool@ut.ac.ir

۳. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران. i_ghasemi@ut.ac.ir

این مقاله مستخرج از طرح «ارزیابی اثرات جابجایی سکونتگاه‌های روستایی» است که با حمایت‌های مالی معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، توسط شرکت مهندسی مشاور طرح و منظر اجرا شده است. بدینوسیله از تمامی دست‌اندرکاران این طرح قدردانی می‌شود.

Journal of Community Development

(Rural and Urban Communities)

Volume 10, Issue 2 - Serial Number 19, Autumn and Winter 2018

Identifying and analyzing the consequences of residential displacement: An ethnographic study of the Gorazi village in Taybad County

Mohammad Ali Mohammadi Gharehghani¹, Rasool Lavaei Adaryani^{2*}, Iraj Ghasemi³

Received: November 16, 2018

Accepted: March 18, 2019

Abstract

Displacement is one of the phenomena which are considered in residential areas. Such phenomenon is often implemented after occurring the natural or human disasters. Undoubtedly, the residential displacement, which involves the displacement of a population from a location to another location, has a desirable and undesirable consequence, that affects the various aspects of the life of the target group. Accordingly, identifying the consequences of displacement processes plays an important role in managing these processes. In this regard, the main purpose of this study was to analyze the consequences of residential displacement in Gorazi village, located in Bakherz district in Khorasan Razavi province. This qualitative study employed the critical ethnographic methodology. The population of the study was consisted of the residents of Gorazi village who have experienced the residential displacement. Data were collected through purposive sampling to reach theoretical saturation. Individual semi-structured interviews technique and participant observation were employed to data collection. Generally, the results showed that the consequences of residential displacement in the Goriza village consisted of physical, social and economic dimensions. Ignore to the social and physical contexts of the former village, has caused the adverse social consequences and then has changed the job structures. In fact, the adverse consequences have caused social consequences, such as social conflictions, and economic consequences, such as increased debt levels.

Keywords: Residential Displacement, Critical Ethnography, Displacement Consequences, Gorazi Village.

1. Assistant Professor in Social Welfare Management Research Center-University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran. Email:ali_gh75@yahoo.com

2. Ph.D. Candidate in Agricultural Development, Faculty of Agricultural Economics and Development, University of Tehran, Karaj, Iran. Email: Lavaeirasool@ut.ac.ir

3. Assistant Professor in Institute of Humanity and Social Science ACECR, Tehran, Iran. Email: i_ghasemi@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

تحرك جمعیتی در قالب جابجایی سکونتگاهی پدیده‌ای است که در برخی نقاط روستایی و حتی شهری جهان اتفاق می‌افتد و در بسیاری از موارد رفتارها، کنش‌ها و ابعاد فیزیکی و اقتصادی جوامع انسانی را دستخوش تغییر می‌کند. تحرك جمعیتی نه تنها به دلیل نقشی که در شکل دادن رفتار خانوارها در رابطه با محیط مسکونی دارد، بلکه به خاطر ابعاد فضایی تغییر از لحاظ جمعیت‌شناسی منطقه‌ای و تعیین عوامل نابرابری، مورد توجه محققان حوزه سکونتگاه قرار گرفته است (لوپز و گرین‌لی^۱، ۲۰۱۶: ۱۷۵-۱۵۶ و می‌یرز^۲، ۲۰۰۰: ۶۱۳-۶۰۹). تحرك جمعیتی در قالب جابجایی سکونتگاهی بیانگر ترك محل سکونت تحت تأثیر عوامل اضطرار و اسکان مجدد در مناطق امن‌تر است که عموماً به دلیل بروز سیل، زمین‌لرزه، برنامه‌های توسعه‌ای و پروژه‌های تجمیع رخ می‌دهد (محمدی استادکالایه و همکاران، ۱۳۹۱). جابجایی به‌طور عمده پیامدهای متعددی دارد که زمینه‌های اشتغال، تعاملات، کنش‌های اجتماعی و سایر ابعاد اجتماعی-اقتصادی جوامع هدف را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌منظور کاهش پیامدهای ناخواسته جابجایی سکونتگاهی (مانند عدم کفایت مسکن، از دست دادن شغل، عدم دسترسی و غیره) (اتیکنسون^۳، ۲۰۰۰ الف: ۳۲۶-۳۰۷؛ ۲۰۰۰ ب: ۱۶۵-۱۴۹ و نیومن و اوون، ۱۹۸۲: ۱۴۸-۱۳۵)، می‌بایست پیش از اجرای فرایند جابجایی، تحلیل‌هایی انجام گیرد تا مخاطرات بالقوه برای طرح‌های جابجایی مشخص شود (لوپز و گرین‌لی، ۲۰۱۶: ۱۷۵-۱۵۶). همچنین، در مواردی که حوادث طبیعی به‌عنوان محرک جابجایی مطرح است، اقدامات دولت بر توانایی افراد و خانوارهای درگیر در بحران برای اسکان در مساکن خود و یا یافتن مکانی جدید برای زندگی نقش مهمی دارد (مورو - جونز و مورو - جونز^۴، ۱۹۹۱: ۱۲۶-۱۳۲). با این وجود، جابجایی سکونتگاهی با علل طبیعی، تحرك فوری جمعیت را به‌عنوان یک الزام مطرح می‌کند و زمان لازم برای انجام تحلیل‌های دقیق را فراهم نمی‌کند. چنین فرایندهایی که با یک علت طبیعی (مانند سیل، زمین‌لرزه و غیره) و در یک موقعیت جغرافیایی نامناسب آغاز می‌شوند، پیامدهای وسیع‌تری دارند؛ چرا که عوارض طبیعی اغلب غیرقابل‌پیش‌بینی بوده و عموماً شدت نسبتاً بالایی دارند. بر این اساس، مطالعه مناطق که طی یک عامل طبیعی جابجایی را تجربه کرده‌اند، می‌تواند در زمینه برنامه‌ریزی و کاهش پیامدها در موقعیت‌های مشابه مفید باشد. در این مطالعه، جابجایی سکونتگاهی روستای گرازی که بر اثر وقوع سیل رخ داده، به‌عنوان

1. Lopez & Greenlee
 2. Myers
 3. Atkinson
 4. Morrow-Jones

موضوعی مسئله‌مند مورد توجه قرار گرفته است، زیرا این فرایند جابجایی در شرایط اضطرار و فوریت ناشی از یک رخداد طبیعی مطرح شده و به نظر می‌رسد، مطالعه این روستا به دلیل غیرمترقبه بودن علت جابجایی آن رهگذری برای کاهش پیامدهای نامطلوب و امکان تصمیم‌گیری دقیق و فوری در شرایط مشابه باشد. در این زمینه، مطالعه حاضر از طریق بررسی درک مشترک و زمینه‌های بروز جابجایی در روستای گرازی به تبیین این موضوع پرداخته است که جابجایی سکونتگاهی چه پیامدهایی داشته، درک مشترک کنشگران اصلی آن در شرایط اضطرار چیست و این درک مشترک چگونه بر این فرایند اثر گذاشته است؟ بر این اساس، ادراک مردم از فرایند جابجایی به عنوان یکی از مهمترین عواملی است که بسترهای شکل‌گیری فرایند جابجایی را تداعی می‌کند.

مبانی نظری

جابجایی سکونتگاهی از نظر عملیاتی ابعاد مختلفی دارد که کنشگران بسیاری را درگیر می‌کند. بر مبنای این پیچیدگی و تعدد کنشگر، ارائه یک تعریف منحصر به فرد، جامع و کارآمد از مفهوم جابجایی سکونتگاهی، دشوار به نظر می‌رسد (نیومن و اوون، ۱۹۸۲: ۱۴۸-۱۳۵). در یک تعریف نسبتاً جامع، جابجایی بیانگر اقدامی است که طی آن هر خانوار به دلیل وجود شرایطی که اقامت و محیط اطراف آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مجبور به ترک محل سکونت خود می‌شود. این شرایط فراتر از توان کنترلی خانوارهاست و ادامه زندگی و اشتغال آنان را غیرممکن و خطرناک می‌سازد (گریر و گریر^۱، ۱۹۷۸: ۱۴۶). به عبارت دیگر، اسکان مجدد امری ناگزیر، ناخواسته و یا اضطراری است که جابجایی افراد و خانوارهای آسیب‌دیده را غیرقابل اجتناب می‌کند. دلیل ناخواسته بودن این امر در عدم اطلاع دقیق و موافقت افراد و خانوارهای ذی‌ربط و عدم توان تغییر شرایط توسط این افراد نهفته است (ببینگتون و همکاران^۲، ۲۰۰۸: ۲۹۰۵-۲۸۸۸).

بی‌شک، فرایند جابجایی سکونتگاهی فاقد علت نیست. محرک فرایند جابجایی می‌تواند دارای ریشه‌های محیطی یا اقدامات و طرح‌های توسعه‌ای باشد. به طور کلی، از نظر علل جابجایی می‌توان جابجایی‌های سکونتگاهی را در دو طبقه تقسیم‌بندی کرد. اولین طبقه معطوف به جابجایی به دلیل حوادث طبیعی بوده که به سبب فاجعه و فوریت‌هایی که در ورای این نوع جابجایی‌ها نهفته، مطالعات نسبتاً غنی در خصوص آن‌ها انجام شده است. دومین طبقه

1. Grier & Grier
2. Bebbington et al

از جابجایی‌های سکونتگاهی مربوط به اقدامات دولتی، بازار یا حتی فرایندهای توسعه و بازسازی شهرها و روستاهاست (لوپز و گرین‌لی، ۲۰۱۶: ۱۷۵-۱۵۶). همان‌گونه گفته شد، رخدادهای غیرمترقبه عامل مهمی برای بروز بخش بزرگی از تحرکات جمعیتی است. به بیان دیگر، جابجایی سکونتگاهی یکی از پیامدهای مهم و مشهود مخاطرات طبیعی است (امبروستی و پتریول^۱، ۲۰۱۶: ۸۸-۸۰؛ بلچر و بیتز^۲، ۱۹۸۳: ۱۲۸-۱۱۸؛ گمن و همکاران^۳، ۲۰۱۳: ۲۴ و می‌یرز، ۲۰۰۲: ۶۱۳-۶۰۹). این رخدادها اغلب بدون هشدار بوده و سبب می‌شود خانوارهای زیادی مسکن خود را از دست بدهند. در موارد حاد ممکن است کل جمعیت ساکن در یک ناحیه به دلیل وقایعی چون جنگ، سیل، زمین‌لرزه و آتش‌فشان به ترک محل زندگی خود مجبور شوند (بلچر و بیتز، ۱۹۸۳: ۱۲۸-۱۱۸). لازم به ذکر است بسیاری از عوارض طبیعی می‌تواند به عنوان پیامد تغییر اقلیم به شمار آیند. با این وجود، فارغ از عوارض طبیعی ناشی از تغییر اقلیم که عامل مهم بروز جابجایی سکونتگاهی به شمار می‌روند، پدیده تغییر اقلیم نیز به‌خودی‌خود سبب تشدید فرایند جابجایی می‌شود. در میان آثار اجتماعی و اقتصادی تغییرات اقلیم، جابجایی بالقوه افراد غیرداوطلب، به‌عنوان یک موضوع مهم مطرح است (بلیک و همکاران^۴، ۲۰۱۱: ۴۴۷-۴۴۹؛ گمن^۵، ۲۰۱۱: ۴۱-۴۹؛ هیگو^۶، ۱۹۹۶: ۱۰۵-۱۳۱؛ هانتز^۷، ۲۰۰۵: ۲۷۳-۳۰۲؛ لاکزکو و آقازارم^۸، ۲۰۰۹: ۱۷؛ می‌یرز، ۲۰۰۲: ۶۱۳-۶۰۹؛ پاری^۹، ۲۰۰۷: ۸۹ و وارنر^{۱۰}، ۲۰۱۰: ۴۰۲-۴۱۳). از روند پیش‌بینی‌های انجام شده در خصوص جابجایی‌های غیرداوطلبانه می‌توان دریافت که تمرکز اصلی این پیش‌بینی‌ها بر روی اجتماعات آسیب‌پذیر در مناطق روستایی در حال توسعه جهان و تأثیرات حوادث شدید مانند رخدادهای طبیعی در مقیاس بزرگ است (هیگو، ۱۹۹۶: ۱۳۱-۱۰۵؛ هانتز، ۲۰۰۵: ۳۰۲-۲۷۳ و می‌یرز، ۲۰۰۲: ۶۱۳-۶۰۹). بر این مبنا می‌توان دریافت که رخدادهای طبیعی به عنوان یکی از علل بالقوه پدیده جابجایی سکونتگاهی، اغلب به شکل‌گیری فرایند جابجایی غیر داوطلبانه (اجباری) منجر می‌شود. در واقع، رخدادهای طبیعی آثار تخریبی فراوانی بر کالبد مسکن داشته و عموماً به صورت ناگهانی بروز می‌کنند؛ بر این اساس، فرصت و توان کنترلی لازم برای مقابله با عوارض

-
1. Ambrosetti & Petrillo
 2. Belcher & Bates
 3. Gemenne et al
 4. Black et al
 5. Gemenne
 6. Hugo
 7. Hunter
 8. Laczko & Aghazarm
 9. Parry
 10. Warner

ناشی از این رخدادها فراهم نمی‌شود و در بسیاری از موارد پذیرش برنامه‌های توسعه‌ای نظیر برنامه‌های بازسازی و جابجایی سکونتگاهی اجتناب‌ناپذیر است. به طور کلی، جابجایی در شرایط اجبار، اضطرار و موقعیت‌های پیش‌بینی‌نشده با پیامدهایی همراه است که به ایجاد تغییر در مناسبات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیرساختی گروه هدف منجر می‌شود. برای نمونه، مطالعات حاکی از آن است که از دست دادن زمین، تنها ۲۰-۱۰ درصد از خطرات فقر مرتبط با جابجایی اجباری را پوشش می‌دهد (فرناندز^۱، ۲۰۰۸: ۸۸). مطالعات دیگر در خصوص هزینه‌های جابجایی حاکی از سایر مخاطرات بالقوه این فرایند است که به طور چشمگیری پایداری را تهدید می‌کند. این مخاطرات شامل بیکاری، حاشیه‌نشینی و آوارگی، ناامنی غذایی، از دست دادن اراضی و منابع مشترک، افزایش مشکلات بهداشتی، گسست اجتماعی^۲، اختلال در فعالیت‌های مربوط به آموزش‌های رسمی و از دست دادن حقوق مدنی و حقوق بشر است (سرنیا^۳، ۲۰۰۳: ۳۷-۴۵ و دووینینگ^۴، ۲۰۰۲: ۷۶). این مخاطرات و پیامدها در شرایط مختلف و انواع پروژه‌ها یا جابجایی‌ها، متفاوت بوده و دارای طیف مختلفی از فراز و فرودهاست (سرنیا، ۲۰۰۳: ۳۷-۴۵). مطالعات تجربی متعددی در خصوص ابعاد مختلف فرایند جابجایی سکونتگاهی انجام شده است. برای نمونه مولر و گری (۲۰۱۲) نشان دادند که بلایای طبیعی نقش مهمی در تحرک بلندمدت جمعیت روستاهای بنگلادش دارد؛ اما بر خلاف انتظار، افزایش بلایای طبیعی فاقد اثر مثبت بر تحرک کلی جمعیت است. همچنین، مطالعه دیگری در لوکویلا نشان داد، زمین‌لرزه به‌طور چشمگیری در شکل‌دهی مبادلات اجتماعی و اقتصادی و نیز تحرکات جمعیتی در بین شهرستان‌های استان لوکویلا نقش دارد. همچنین تحرکات جمعیتی از استان زلزله‌زده به استان همجوار تابع الگوی تبادلی بین محله‌های استان زلزله‌زده است (امبروستی و پتریبول، ۲۰۱۶: ۸۰-۸۸). نتایج مطالعه تلپت و همکاران (۲۰۰۹) حاکی از آن است که پیامدهای جابجایی سکونتگاهی روستایی علاوه بر ابعاد اقتصادی، بر ابعاد اجتماعی-فرهنگی و فیزیکی-کالبدی زندگی روستاییان تأثیر داشته و ویژگی‌های اجتماعی در جوامع مورد نظر جابجایی دستخوش تغییرات جدی شده است (تلپت و هی^۵، ۲۰۰۹: ۲۵۷-۲۴۹). سلیمان‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای دریافتند که به دلیل حفظ حداقل مسافت در فرایند جابجایی و حفظ ارتباط با مراتع و اراضی کشاورزی، از حیث اقتصادی پیامدهای

1. Fernandez
 2. Social disarticulation
 3. Cernea
 4. Downing
 5. Tilt & He

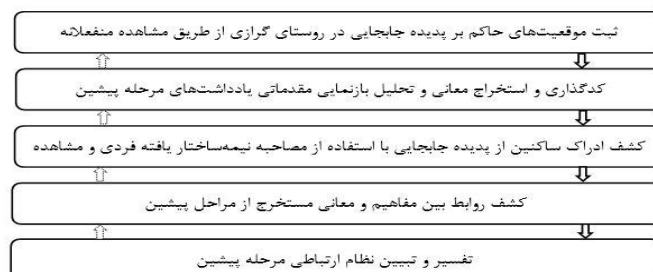
نامطلوبی بر جامعه هدف مترتب نیست. همچنین، پس از جابجایی، بدون تغییر در ساختار قومیتی، مهاجرت منجر به کاهش جمعیت شده است (سلیمان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۳-۲۹). عینالی و ابراهیمی (۱۳۹۳) طی مطالعه‌ای دریافتند که با فرض تخریب کلی روستای اولیه، جابجایی با حداقل مسافت بر بهبود مؤلفه‌های رفاه اقتصادی و وضعیت اجتماعی ساکنان مؤثر است و تفاوت معناداری بین بهبود کیفیت کالبدی و افزایش کیفیت زندگی ساکنان وجود دارد. قراگوزلو و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند، جابجایی سکونتگاهی در افزایش مقاومت مسکن نقش داشته و رضایت ساکنان را افزایش داده است. در بعد زیست محیطی نیز نتایج حاکی از بهبود فضای سبز، سیستم دفع فاضلاب بوده، در حالی که کیفیت آب آشامیدنی چندان تغییری نکرده است. همچنین، تغییرات چندانی در وضعیت اقتصادی منطقه مورد مطالعه مشهود نبوده است (قراگوزلو و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۶-۱۲۵). به‌طور کلی، ادبیات تجربی مرتبط با جابجایی سکونتگاهی وجود پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را مورد تأیید قرار می‌دهد؛ با این حال سهم کنش میان این پیامدها از نظر ذی‌نفعان اصلی (ساکنان) در مطالعات اندک است.

روش تحقیق

در این مطالعه به منظور تبیین ادراک مشترک اهالی روستای گرازی در خصوص پیامدهای جابجایی سکونتگاهی از رویکرد کیفی استفاده شد. بر این اساس، با روش قوم‌نگاری انتقادی، فرایند جابجایی سکونتگاهی در قالب پدیده‌ای انتقادی که روابط نظام قدرت را در برابر ذی-نفعان و سایر کنشگران طرح جابجایی تداعی می‌کند، مورد توجه قرار گرفت. در واقع، با استفاده از قوم‌نگاری انتقادی به بررسی این موضوع پرداخته شد که ساکنان روستای گرازی فرایند جابجایی سکونتگاهی و نیز پیامدهای ناشی از اسکان مجدد را که تابع تصمیمات نظام دولتی و سلسله عوامل طبیعی بوده چگونه درک و تفسیر می‌کنند؛ بنابراین، در پی تبیین چنین موضوعی از مدل قوم‌نگاری انتقادی کارسپکن^۱ (۱۹۹۶) (پنج مرحله متوالی) استفاده شد.

شکل ۱- روند اجرای قوم‌نگاری انتقادی در خصوص فرایند جابجایی سکونتگاهی بر مبنای مدل کارس پکن

(۱۹۹۶)



در مرحله اول، موقعیت‌های طبیعی، اقتصادی و اجتماعی در دو روستای اولیه (پیش از جابجایی) و روستای ثانویه (پس از جابجایی) مشاهده و بررسی شد. در این مرحله، به کالبد مساکن و مناسبات اقتصادی، اجتماعی مستتر در ورای آن طی فرایند پیش و پس از جابجایی توجه شد. در مرحله دوم، از طریق فرایند کدگذاری، معانی اولیه مستتر در مشاهدات و یادداشت‌های حاصل از مرحله قبل استخراج شد. در ادامه، با توجه به مرحله سوم (شکل ۱) پروتکل اولیه‌ای برای انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته فردی طراحی شد، این پروتکل در مراحل بعدی تحقیق از طریق مفاهیم و معانی به دست آمده در خلال داده‌ها اصلاح و تدقیق شد. پس از تدوین پروتکل اولیه مصاحبه، برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. بدین منظور در ابتدا با استفاده از رویکرد نمونه‌گیری هدفمند، ساکنانی که فرایند جابجایی را به‌خوبی به‌خاطر داشتند، مورد مطالعه قرار گرفتند و سپس از طریق آن‌ها افراد بیشتری شناسایی شدند. به همین ترتیب، برای درک مشترک پیامدهای جابجایی و اسکان مجدد، افراد مختلفی به صورت زنجیره‌ای (از هر فرد به افراد دیگر دست یافتن) مورد مطالعه واقع شدند. برای تعیین کفایت حجم نمونه از معیار اشباع نظری استفاده شد. به بیان دیگر، انجام مصاحبه‌ها و مشاهدات تا آنجا صورت گرفت که مفاهیم حالت تکراری به خود گرفته بود و دستیابی به مفاهیم جدید از طریق مطالعه بیشتر امکان‌پذیر نبود. در واقع، برای حصول به اشباع نظری فرایند پنج‌گانه ارائه شده در شکل ۱ به صورت متوالی (رفت و برگشتی) انجام شد. در نهایت، از طریق مقایسه مداوم مفاهیم به دست آمده و ارجاع مکرر به داده‌ها، مفاهیم و معانی تداعی‌کننده پیامدهای جابجایی استخراج شدند و در انتها با ارائه نقل‌قول‌های مستقیم، هر یک از این مفاهیم تفسیر شدند. لازم به ذکر است برای تحلیل و مدیریت داده‌های کیفی، از نرم‌افزار NVivo10 استفاده شد. همچنین، برای تأمین اعتبار داده‌ها و نتایج بدست آمده از خلال مطالعه از تکنیک سه‌بعدی‌نگری استفاده شد. در این زمینه، چهار تن از نویسندگان (در

قالب محققان میدانی) در نقاط مختلف روستاهای قدیمی و شهرک جدید از طریق مشاهده منفعلانه و مشارکتی و نیز انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته در قالب پروتکل یکسان برای افراد مختلف به جمع‌آوری داده‌ها اقدام کردند. این موضوع سبب شد موقعیت‌های مختلف جابجایی سکونتگاهی از طریق تعدد محقق پوشش داده شود و تحلیل‌های بدست آمده فارغ از پارادایم ذهنی محققان باشد. از دیگر معیارهای بررسی صحت نتایج، توجه به باورپذیری آن بود. بدین معنا که داده‌ها و فرایندهای تحلیلی تا چه اندازه بر زمینه مورد نظر تحقیق تمرکز دارد (پولیت و بک^۱، ۲۰۰۴: ۴۳۰-۴۳۱). به منظور تأمین باورپذیری، مشاهدات و یادداشت‌های مختلف نویسندگان که حاصل فعالیت میدانی در نقاط مشترک روستای گرازی بود به صورت مجزا مورد تحلیل و کدگذاری قرار گرفت و سپس از طریق بررسی و تطابق تحلیل‌های بدست آمده میزان همگرایی نتایج با بسترهای اصلی تحقیق تأمین شد.

روستای گرازی از توابع دهستان قلعه نوعلیا، بخش باخرز، شهرستان تایباد در استان خراسان رضوی است. طبق سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، جمعیت این روستا ۴۵۵ نفر (۱۰۷ خانوار) بوده است. این روستا از غرب به روستای تنگل مزار، از شرق به روستای تورانه، از جنوب به روستای قلعه نو و از شمال به کوه منتهی می‌شود. قدمت روستای مزبور به ۴۰۰ سال گذشته باز می‌گردد و به لحاظ وجه تسمیه در ایام گذشته این روستا با عنوان گلریزی شناخته می‌شده که دلیل آن وجود گل و گیاه و درختان فراوان در این روستا بوده که با مرور زمان به گرازی تغییر نام یافته است. روستای گرازی از نظر وضعیت توپوگرافی در شیب نسبتاً ملایمی واقع شده بود و در پایین‌دست در مجاورت مسیر عبور سیلاب‌ها قرار داشت.

نتایج تحقیق

- ادراک ساکنان روستای گرازی از علت جابجایی سکونتگاهی

مفاهیم مستخرج از ادراک روستاییان در خصوص فرایند جابجایی در جدول ۱ نشان داده شده است. جابجایی سکونتگاهی روستای گرازی طی سال ۱۳۸۹ به دلیل واقع شدن این روستا در مسیر سیل صورت گرفته است. سکونتگاه‌های این روستا در ارتفاع بالاتری نسبت به مسیر عبور سیلاب‌ها واقع شده بودند؛ اما همواره احتمال خسارت‌زایی ناشی از سیل وجود داشت. علت جابجایی از نظر اهالی به شرح ذیل بود:

«... منطقه سیل گیر بود ولی سیل خانه‌ها را خراب نکرد و ما به این خاطر جابجا شدیم که خانه‌ها در مسیر سیل قرار گرفته بودند...».

جابجایی روستای گرازی در حالی انجام گرفت که اهالی این روستا وقوع سیل را از گذشته چندین بار تجربه کرده بودند؛ اما خسارت‌زایی این حادثه طبیعی برای آنان محرز نبود. به بیان ساده‌تر، اهالی روستای گرازی در سال‌های پیش از جابجایی چندین مرتبه وقوع سیل را تجربه کرده بودند؛ اما نمونه‌های آسیب‌زایی از این حادثه طبیعی را سراغ نداشتند؛ ولی بر احتمال خسارت‌زایی آن اتفاق نظر داشتند. مردی ۵۳ ساله در این خصوص چنین ابراز کرد:

«... چندین بار هم سیل آمده بود؛ ولی اتفاق خاصی نیفتاده بود. چون اگر نگاه کنی در پایین روستا مسیر سیل مشخص است...».

با این وصف، بسیاری از اهالی روستای گرازی تمایلی به جابجایی و سکونت در شهرک جدید از خود نشان نمی‌دادند. دلیل موضوع آن بود که در تجارب گذشته آنان، وقوع سیل هیچ‌گونه خسارات مشهودی را که بتوان به راحتی درک کرد به بار نیاورده و از این رو، ادله اقناع‌کننده‌ای که بتواند علت جابجایی را در قالب مقولات مشاهده‌پذیر ارائه دهد، وجود نداشت. به بیان دیگر، اهالی گرازی مساکن و الزامات زندگی خود را در معرض تخریب مشاهده نکرده و از این موضع هیچ‌گونه گرایش به جابجایی نداشتند. مردی ۵۷ ساله به همراه زنی ۵۱ ساله در این خصوص چنین گفت:

«... دولت می‌گفت که امکان دارد خطر ساز باشد... خیلی‌ها به روستای جدید نمی‌آمدند چون خانه‌هایشان سالم بود. ما هرسال سیل داشتیم ولی خسارتی به ما نمی‌زد...».

جدول ۱- مفاهیم و طبقات مستخرج از ادراک روستاییان در خصوص جابجایی

ردیف	مفاهیم	تعداد اسناد	فراوانی	طبقات محوری	طبقات انتخابی
۱	تجربه وقوع سیل و عدم آسیب‌زایی آن	۶	۶	ادراک از جابجایی	اقناع، عینی شدن و رضایت
۲	حس تعلق به روستای قبلی و عدم گرایش به جابجایی	۳	۳		
۳	سیل گیر بودن منطقه علت اصلی جابجایی	۹	۱۱		
۴	عدم گرایش به جابجایی اهالی به دلیل عدم عینیت‌پذیری علت جابجایی	۸	۱۳		
۵	عدم گرایش به جابجایی به دلیل اشتغال به فعالیت دامداری	۱	۲		
۶	نفع دوسویه جابجایی برای دولت و مردم در جهت خدمات‌دهی	۸	۹		

عدم تمایل برخی از اهالی به جابجایی نیز در نوع اشتغال آن‌ها و زیرساخت‌های موجود برای تداوم معیشتشان نهفته بود؛ به طوری که برخی از دامداران گرایش چندانی به جابجایی

نداشتند. در مقابل برخی از خوش‌نشین‌ها در برابر جابجایی اشتیاق از خود بروز می‌دادند. مردی ۴۷ ساله در این باره گفت:

«... خیلی‌ها دوست نداشتند به اینجا بیایند. چون دامداری و وابستگی به روستا داشتند؛ ولی وقتی اینجا خدمات بهتری دارد کم‌کم مجبور شدند و آمدند...».

جابجایی سکونتگاهی در حالی صورت گرفت که علاوه بر احتمال خسارت‌زایی ناشی از سیل، عرضه امکانات و خدمات به روستای قبلی به علت نامناسب بودن مسیر این روستا و نیز مقرون‌به‌صرفه نبودن ناممکن بود. بر این اساس، ادراک اهالی در خصوص فرایند جابجایی ناظر بر این امر بود که انتفاعی دوسویه در قبال این فرایند رخ داده است. بدین ترتیب ضمن بهره‌مندی اهالی از خدمات و امکانات (مانند آب آشامیدنی)، تسهیلات لازم برای خدمات‌دهی (نظیر مسیر مناسب و غیره) نیز برای دولت فراهم آمده است.

- فهم و ادراک نظام مشترک معنایی و درک تفسیری مردم از رخدادهای متأثر از جابجایی فرایند کدگذاری حاصل از داده‌های میدانی مربوط به روستای گرازی در سه مرحله شناسایی مفاهیم اولیه، تشکیل طبقات محوری و در نهایت استخراج طبقات انتخابی انجام شد. طبقات محوری مشتمل بر مجموعه‌ای از مفاهیم اولیه است که معانی واحدی دارند. همچنین، طبقات انتخابی بیانگر مجموعه‌ای از طبقات محوری با مفهوم یکسان است که حول یک محور مشخص شکل گرفته‌اند. در ادامه، هر یک از طبقات محوری مستخرج از فرایند کدگذاری به تفکیک تشریح شده‌اند.

- بهبود و استحکام موقعیت مکانی شهرک

فرایند جابجایی سکونتگاهی روستای گرازی پیامدهای مثبتی از بعد فیزیکی-کالبدی داشت (جدول ۲). بهبود و استحکام موقعیت مکانی شهرک و نیز بهبود کمی و کیفی آب آشامیدنی از جمله ابعادی است که رضایتمندی اهالی را در خصوص ساختار فیزیکی-کالبدی تبیین می‌کند. استحکام مسکن واقع در شهرک گرازی یکی از پیامدهای فیزیکی-کالبدی است. در واقع، تمامی مسکن روستای قبلی دارای بافت گلی بوده و استحکام لازم را نداشتند، در حالی که مسکن جدید با مصالحی چون آجر و آهن ساخته شده که همراه با نظارت‌های فنی صورت گرفته، از استحکام نسبتاً مناسبی برخوردار بودند. دو تن از اهالی در این خصوص چنین بیان داشتند (مرد ۵۶ و زن ۵۹ ساله): «... استحکام خانه‌ها خیلی بهتر است و راضی هستیم...».

جدول ۲- مفاهیم و طبقات مستخرج از ادراک روستاییان در خصوص موقعیت و استحکام شهرک

ردیف	مفاهیم	تعداد اسناد	فراوانی	طبقات محوری	طبقات انتخابی
۱	افزایش استحکام مسکن پس از جابجایی	۹	۱۱	بهبود و استحکام	عوامل رضایتمندی
۲	بهبود موقعیت مکانی روستا پس از جابجایی	۴	۴	موقعیت مکانی شهرک	
۱	بهبود کیفیت آب آشامیدنی در شهرک	۵	۷	بهبود کمی و کیفی	
۲	سهولت تأمین آب آشامیدنی	۳	۳	آب آشامیدنی	

از نقطه نظر پیامدهای فیزیکی - کالبدی، روستای گرازی در موقعیت مکانی بهتری نسبت به گذشته واقع شده است. روستای قدیمی در شیب نسبتاً تندی در معرض سیلاب‌ها قرار گرفته بود. اگرچه شهرک گرازی نیز در موقعیت کنونی خود در شیب نسبتاً ملایمی واقع شده است؛ اما این شیب در تطابق با استحکام و نظم مسکن به اندازه‌ای نیست که بتواند مشکلات جدی در برابر حوادث طبیعی به بار آورد. مردی ۴۷ ساله نیز در این باره چنین اظهار داشت: «... خانه‌های شهرک جدید هم کمی در شیب هستند؛ ولی خیلی بهتر از روستای قبلی است...».

- افزایش هزینه‌های ساخت‌وساز و افزایش بدهکاری‌های اهالی

چالش هزینه‌های ساخت‌وساز و افزایش بدهکاری‌های اهالی روستای گرازی از دیگر پیامدهای جابجایی سکونتگاهی است که در بستری از عدم مشارکت‌دهی آن‌ها در فرایند ساخت‌وساز نمود بیشتری به خود گرفته است. در واقع، به‌رغم آنکه دستاوردهای فیزیکی - کالبدی فرایند جابجایی سکونتگاهی در روستای گرازی چشمگیر بوده و محل اجماع نظر اکثر مشارکت‌کنندگان بود؛ اما اطالۀ فرایند جابجایی و نیز الزام به تجدیدنظر در قراردادهای مربوط به ساخت‌وساز و واگذاری قطعات به افزایش میزان پرداختی‌های اهالی منجر شد که این موضوع از نظر وضعیت اقتصادی حاکم بر روستای مورد مطالعه تا حدودی باعث نارضایتی اهالی شده بود (جدول ۳). در واقع، اهالی گرازی بر این اعتقاد بودند که تعلق در ساخت‌وسازها از سوی سازمان‌های ذی‌ربط صورت گرفته و پرداخت هزینه‌های ساخت‌وساز بر اساس قیمت‌های روز بازار منطقی نیست؛ از این رو، عدول از مفاد قراردادهای مربوط به پرداخت هزینه‌های ساخت‌وساز به‌عنوان یک اهرم اقتصادی به افزایش بدهکاری‌های اهالی منجر شده است. از آنجا که مسکن موجود در روستای قبلی قابلیت سکونتگاهی داشته و هنوز تخریب نشده‌اند، اهالی، استقرار در روستای قبلی را در مقایسه با پرداخت هزینه‌های مازاد مقرون به‌صرفه‌تر ارزیابی کردند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این خصوص چنین گفت: «... این خانه‌ها را با یک چارچوب فلزی به ما داده‌اند و ۱۲ میلیون پول گرفتند. اول با ۷/۵ میلیون قرار بود کلید بسته به ما بدهند. بعد از سه سال ما باید قسط وام بدهیم...».

جدول ۳- مفاهیم و طبقات مستخرج از ادراک روستاییان در خصوص هزینه‌های جابجایی

ردیف	مفاهیم	تعداد اسناد	فراوانی	طبقات محوری	طبقات انتخابی
۱	تغییر در قیمت ساخت قطعات پس از مدتی تعلل از سوی پیمانکار و افزایش بدهکاری‌ها	۷	۱۵	- افزایش هزینه‌های ساخت و ساز	چالش هزینه‌های جابجایی
۲	ساخت و ساز غیر قانونی به دلیل افزایش در میزان هزینه ساخت مسکن از سوی پیمانکار	۱۲	۱۲	- افزایش بدهکاری‌های اهالی - عدم مشارکت دهی اهالی	
۳	فقدان مشارکت واقعی اهالی در برنامه‌ریزی و ساخت مسکن	۳	۴	در برنامه‌ریزی ساخت مسکن	

در پی افزایش میزان پرداختی‌های اهالی روستای گرازی برای دریافت قطعات مسکونی زیرسازی‌شده، برخی از اهالی به دلیل فقدان تمکن مالی به ساخت و سازهای غیرمجاز در محدوده شهرک اقدام کردند که نمای نامناسبی به شهرک بخشیده است. در واقع، چنین ساخت و سازهایی به عنوان اقدامی برای فرار از پرداخت‌های مازاد در جهت دریافت قطعات زیرسازی‌شده به حساب می‌آید.

- عدم مشارکت دهی اهالی در برنامه‌ریزی ساخت مسکن

بی‌توجهی به مشارکت واقعی اهالی روستای گرازی در زمینه برنامه‌ریزی و ساخت شهرک یکی از پیامدهای منفی ناشی از جابجایی بوده که نیازهای اهالی را مغفول داشته است. شواهد حاکی از آن است که غفلت از مشارکت واقعی و تأکید بر مشارکت ابزاری اهالی در مرحله ساخت مسکن، ادراکی مبنی بر استفاده ابزاری از نیروهای محلی در بین اهالی به وجود آورده است. یکی از ذی‌نفعان در این خصوص گفت (مرد ۳۲ ساله): «... خودمان در نقشه‌کشی شرکت نکردیم و آن‌ها به ما گفتند که شما چه نیازی دارید. در ساختمان‌سازی خودمان کارکردیم و آن‌ها هیچ کمکی نکردند... یا باید همه‌اش را خودشان انجام می‌دادند یا باید می‌گذاشتند ما نیازهایمان را به آن‌ها بگوییم...».

فقدان امکانات و خدمات اولیه و خدمات ناقص در شهرک

چالش امکانات زیرساختی مانند آب، گاز و آسفالت پس از فرایند جابجایی، به صورت یک‌سویه مورد توجه قرار گرفت؛ به طوری که برخورداری از برخی خدمات پس از جابجایی در قالب پیامد مثبت ارزیابی شد؛ اما محرومیت از خدماتی که در روستای قبلی نیز وجود نداشت، در قالب پیامد منفی ارزیابی نشد؛ بنابراین، مفاهیم جدول ۴ نیز به خوبی نشان می‌دهد عدم برخورداری از امکانات زیرساختی به منزله پیامد منفی قلمداد نشده است. در واقع، اگرچه شهرک فعلی از برخی خدمات زیرساختی محروم بود، اما این محرومیت به هیچ عنوان در قالب محدودیت تفسیر نشده است؛ زیرا خدمات‌دهی در حوزه‌های مورد نظر (گاز و آسفالت) در

دست اقدام بود. مفاهیم مربوط به این پیامد در جدول ۴ آمده است. مشارکت‌کنندگان در این باره چنین بیان داشتند (به ترتیب مرد ۳۸ و ۳۵ ساله): «... گاز کشی در حال انجام است...».

جدول ۴- مفاهیم و طبقات مستخرج از ادراک روستاییان در خصوص امکانات شهرک

ردیف	مفاهیم	تعداد اسناد	فراوانی	طبقات محوری	طبقات انتخابی
۱	عدم وجود پوشش آسفالت در شهرک	۵	۵	- فقدان امکانات	چالش امکانات
۲	عدم وجود گاز در شهرک	۵	۶	و خدمات اولیه	
۳	فقدان خدمات اولیه در روستای قبلی به دلیل موقعیت مکانی نامناسب	۲	۲	- خدمات ناقص در شهرک	
۴	فقدان خدمات رفاهی اولیه در روستای قبلی	۲	۳		

- بهبود کمی و کیفی آب آشامیدنی

جابجایی و سکونت در شهرک گرازی به بهبود کیفیت و نیز دسترسی به منابع آبی منجر شد (جدول ۱). از آنجا که آب آشامیدنی در روستای قبلی از منابع آبی زیرزمینی تأمین می‌شده، کیفیت چندانی نداشته و در اثر جابجایی، این کیفیت و دسترسی به منابع آبی از طریق لوله-کشی تأمین شده است. یکی از اهالی در این خصوص گفت (مرد ۶۳ ساله): «... اینجا یک چیز خوب شده است. زن‌ها قبلاً می‌رفتند آب می‌آوردند و الان اینجا شیر آب را باز می‌کنند و آب می‌آورند...».

- عدم وجود زیرساخت‌های بهداشتی در شهرک

به دلیل نوپا بودن شهرک گرازی، زیرساخت‌های بهداشتی نظیر خانه بهداشت به خوبی توسعه نیافته است و این موضوع به عنوان یکی از خلأهای زیرساختی پس از جابجایی به شمار می‌رود (جدول ۵). بوی تعفن حاصل از فاضلاب‌ها یکی دیگر از چالش‌های بهداشتی شهرک مذکور به شمار می‌رفت که به‌عنوان چالش مسلط مطرح نبود.

جدول ۵- مفاهیم و طبقات مستخرج از ادراک روستاییان در خصوص زیرساخت‌های بهداشتی

ردیف	مفاهیم	تعداد اسناد	فراوانی	طبقات محوری	طبقات انتخابی
۱	ایجاد بوی بد به وسیله فاضلاب‌ها	۱	۱	عدم وجود زیرساخت‌های بهداشتی در شهرک	چالش بهداشت
۲	فقدان خانه بهداشت در شهرک	۱	۱		

- عاملیت روابط به جای ضوابط در واگذاری قطعات؛ عدم رضایت در واگذاری قطعات بر اساس

قرعه‌کشی؛ همسایگی اجباری و کاهش روابط و صمیمیت

واگذاری قطعات مسکونی بدون توجه به نظام‌های همسایگی قبلی و نیز روابط خویشاوندی صورت گرفته است. مندرجات جدول ۶ نشان می‌دهد که واگذاری قطعات مسکونی به

خانوارها طبق خواست و تمایل آن‌ها نبوده و در برخی موارد، به دور از ضوابط و بر مبنای روابط صورت گرفته است. این موضوع به‌خوبی نشان می‌دهد که نظام همسایگی خاستگاهی اجباری داشته و به تبع آن صمیمیت و همبستگی اجتماعی در بین اهالی گرازی کاهش یافته است. در واقع، معیار اصلی واگذاری قطعات مسکونی به اهالی روستای گرازی، قرعه‌کشی بوده است که چنین راهکاری در جهت تعیین همسایگی مترادف با تبعیت از الگوهای تصادف و بخت در توسعه روابط چهره‌به‌چهره است. اگرچه معیار مذکور به‌عنوان ساده‌ترین راهکار در توزیع مساکن و تشکیل نظام‌های همسایگی جدید در روستای گرازی به کار گرفته شده است؛ اما از حیث رضایتمندی اهالی نتایج مطلوبی به دست نداده است. مشارکت‌کننده‌ای در این باره گفت (مرد ۵۹ ساله): «... نفراتی که دوست داشتند کنار هم باشند اصلاً کسی گوش نکرد. گفتند قرعه‌کشی می‌کنیم ... به هرکسی هر جا دلشان خواست زمین دادند...».

جدول ۶- مفاهیم و طبقات مستخرج از ادراک روستاییان در خصوص واگذاری قطعات مسکونی

ردیف	مفاهیم	تعداد اسناد	فراوانی	طبقات محوری	طبقات انتخابی
۱	بی‌توجهی به نظام همسایگی قبلی در واگذاری اراضی و افزایش نارضایتی اهالی	۳	۵	- عاملیت روابط به‌جای ضوابط در واگذاری قطعات	چالش همبستگی اجتماعی
۲	شکل‌گیری مشکلات با همسایه‌ها به دلیل بی‌توجهی به نظام همسایگی قبلی در واگذاری قطعات	۲	۲	- عدم رضایت در واگذاری قطعات بر اساس قرعه‌کشی	
۳	فضای شهرک القاکننده حس غربت	۱	۱	- همسایگی اجباری	
۴	کاهش روابط و رفت‌وآمدها به دلیل بی‌توجهی به فرهنگ معماری روستایی	۱	۲	- کاهش روابط و صمیمیت	
۵	کاهش روابط و صمیمیت‌ها به دلیل بزرگ بودن شهرک	۴	۵		

در معدودی از موارد بی‌توجهی به نظام همسایگی قبلی به بروز خلل در روابط همسایگی منجر شده است که پیامدهای منفی جابجایی از نظر اجتماعی را بازنمایی می‌کند. یکی از اهالی در این باره چنین گفت: «... حالا بعضی‌ها در آنجا که دوست داشتند خانه نگرفتند. ممکن است از همسایه‌اش ناراحت نباشد ولی از جایش هم راضی نیست...».

- عدم نیاز به فضای سبز به دلیل افزایش مجاورت با اراضی کشاورزی

به اعتقاد برخی از اهالی، مقدار ناچیزی از اراضی کشاورزی دیم به ساخت شهرک تخصیص داده شده است که تأثیر چندانی در تغییر و یا کاهش زیرساخت‌های کشاورزی منطقه نداشته است (جدول ۷). یکی از اظهارات در این باره چنین است (مرد ۵۹ ساله): «... زمین‌های اینجا مقدارش دیم بوده و بقیه اراضی ملی بوده است...».

جدول ۷- مفاهیم و طبقات مستخرج از ادراک روستاییان در خصوص فضای سبز و فواصل بین مسکن تا

اراضی کشاورزی

طبقه انتخابی	طبقه محوری	فراوانی	تعداد اسناد	مفاهیم	ردیف
کاهش فاصله با اراضی کشاورزی	عدم نیاز به فضای سبز	۸	۸	بهبود دسترسی به بخشی از اراضی کشاورزی	۱
	به دلیل افزایش مجاورت با اراضی کشاورزی	۳	۲	تخصیص مقداری کمی از اراضی دیم برای ساخت مسکن	۲
		۳	۳	عدم نیاز به فضای سبز	۳

جابجایی سکونتگاهی روستای گرازی به بهبود دسترسی به اراضی کشاورزی منجر شد. در واقع، طی فرایند جابجایی برخی اهالی از اراضی کشاورزی خود فاصله گرفتند و اکثر کشاورزان به اراضی کشاورزی که به کشت زعفران اختصاص دارد؛ نزدیک تر شدند. نکته حائز اهمیت آن است که افزایش فاصله تا اراضی کشاورزی چشمگیر نبوده و خللی در دسترسی اهالی به این اراضی وارد نکرده است. یکی از ذی نفعان در این باره چنین گفت (مردی ۶۳ ساله): «... فاصله تا زمین هایمان که مسئله ای نیست. خیلی فرقی نکرده به زعفران ها فاصله مان بهتر شده. باغ های آلو هم که همان پایین است و خیلی سخت نیست...».

مجاورت اراضی کشاورزی با شهرک گرازی از اهمیت فضای سبز در نظر اهالی کاسته است. در واقع، اهالی بر این باورند که نه تنها فضای سبز منطقه پس از جابجایی دستخوش تغییری نشده است؛ بلکه الزامی مبنی بر توسعه فضای سبز نیز وجود ندارد.

- مسئله معیشت؛ از بین رفتن الزامات دامداری در شهرک و تناقض شهرک- دامداری محدودیت فضای مسکن شهرک گرازی برای دامداری یکی از مشکلاتی است که در زمینه تداوم این معیشت مطرح است (جدول ۸). همچنین، وضعیت ظاهری محیط شهرک به اهمیت مسائل بهداشتی در زمینه دامداری افزوده است. به طور کلی، مفاهیم مندرج در جدول ۸ نشان می دهد، دامداری از دو جنبه با محدودیت مواجه است: محدودیت فضا برای دامداری در شهرک و اهمیت مسائل بهداشتی. اهمیت مسائل بهداشتی از این نظر قابل بررسی است که برخی قشر بندی های حاکم بر مناسبات اجتماعی روستا، معیشت مبتنی بر دامداری را در فضای کنونی شهرک بر نمی تابد. در واقع، فضای شهرک آمیخته ای از قشر بندی زارع، دامدار و خوش نشین است که تداوم معیشت مبتنی بر دام را با چالش مواجه کرده است. مشارکت کننده ای دیدگاه خود را در خصوص این موضوع چنین بیان داشت: «... در روستای قبلی دامداری خیلی خوب بود. جا بود و کسی هم بهانه نمی گرفت که بهداشتی نیست و

فلان... من خودم چند تا گاو و گوسفند دارم، واقعاً کسی هم که حرف زنند، این خانه‌ها را که می‌بینم می‌فهمم که دامداری واقعاً اشتباه است. اینجا دام نگه‌داشتن سخت است...».

جدول ۸- مفاهیم و طبقات مستخرج از ادراک روستاییان در خصوص معیشت بر مبنای دامداری

ردیف	مفاهیم	تعداد اسناد	فراوانی	طبقات محوری	طبقات انتخابی
۱	احتمال تغییر شغل دامداران به دلیل محدودیت فضا برای دامداری	۵	۵	- مسئله معیشت	- چالش اشتغال و معیشت
۲	استقرار برخی دامداران در روستای قبلی به دلیل کثرت دام‌ها	۴	۸	- از بین رفتن الزامات دامداری در شهرک	- چالش معیشت
۳	تأکید بر خروج دام از شهرک از سوی خوش‌نشین‌ها	۲	۲	- تناقض شهرک- دامداری	- چالش روستا- شهر
۴	شکل‌گیری مجادلات به دلیل دامداری در شهرک	۲	۲		
۵	شهرک به عنوان عامل القاکننده حس شهری در حیطه گریز از دامداری	۷	۸		
۶	محدودیت فضا برای دامداری در شهرک	۱۱	۱۷		
۷	محدودیت دامداری به دلیل اهمیت مسائل بهداشتی	۶	۶		

برخی اهالی بر این اعتقاد بودند که فضای شهرک به عنوان محرک القای حس شهرنشینی و الزام به رعایت ضوابط شهری عمل می‌کند. بسیاری از اهالی رعایت بهداشت دام را در روستای قبلی مهم تلقی نکرده و در دوران پس از جابجایی این موضوع را به‌عنوان یک امر مهم پیگیری می‌کنند که از دیدگاه برخی از مشارکت‌کنندگان متأثر از فضای شهرک و احساس مبنی بر شهرنشینی است. قشریندی اجتماعی موجود در شهرک گرازی به اهمیت مسائل بهداشتی منجر شده است. نکته جالب توجه آن است که قشریندی‌های مختلف در شهرک گرازی از یک طرف و الزام به رعایت اصول بهداشتی از طرف دیگر به تأکید بر خروج دام از شهرک منجر شده است. یکی از ذی‌نفعان در این باره چنین گفت (مرد ۲۲ ساله): «... باید یک برنامه‌ای بریزید و این دام‌ها از شهرک خارج شوند. شهرک جای دام نیست. بوی بد می‌دهد و اصلاً جای دام نیست. این خانه‌ها مثل خانه‌های شهر است، کسی در شهر دام می‌آورد؟!...».

چنین تأکیدی در راستای خروج دام از شهرک و الزام برخی از اهالی به رعایت اصول بهداشتی سبب بروز مجادلاتی در بین اقشار اجتماعی شهرک گرازی شده است. برخی از اهالی در این باره چنین اظهار داشتند: «... سر همین آوردن دام‌ها خیلی از اهالی روستا باهم بحث دارند...». در راستای محدودیت‌های بهداشتی و فضایی برای نگهداری دام، برخی دامداران در روستای گرازی سابق استقرار یافته و دامداری می‌کنند. این افراد در شهرک اسکان داشته و برای دامداری به روستای قدیمی می‌روند. زنی ۵۷ ساله و مردی ۶۳ ساله در این خصوص چنین بیان داشتند: «... بعضی اهالی در روستای قبلی مانده‌اند تا دام‌هایشان را در شهرک نیاورند، می‌خواهند احترام گذاشته باشند به اهالی روستا... اینجا خوش‌نشین‌ها خیلی راحت نیستند که بخواهند دام‌های اهالی را تحمل کنند...».

وجود قشربندی خوش‌نشین و کشاورز (دامدار) در شهرک گرازی، احتمال تغییر ساختارهای اشتغال را افزایش می‌دهد. از آنجا که هیچ یک از قشرهای مذکور به‌عنوان قشر مسلط منطقه مورد مطالعه محسوب نمی‌شوند و نیز تمامی خوش‌نشین‌ها هم موافق خروج دام از شهرک نیستند؛ اما ترویج ساختارها و سبک زندگی شهری در پساجابجایی احتمال تسلط نگاه خوش‌نشین در عرصه دامداری و کشاورزی را افزایش می‌دهد. مردی ۳۵ ساله در خصوص این موضوع چنین بیان داشت: «... باید فکری به حال دامداری در شهرک کنند. چند سال دیگر مردم می‌روند کارگری... کم کم خسته می‌شوند با این وضعیت و بعد دام‌ها را می‌فروشند و می‌روند کارگری...».

پیامدهای فرایند جابجایی از نظر اجتماعی معطوف به روابط اجتماعی و میزان صمیمیت-هاست. روابط اجتماعی اهالی پس از جابجایی به دلیل توسعه فضای جغرافیایی شهرک و تعارضات دامدار-خوش‌نشین کاهش یافته است. عدم توجه به سبک معماری در برقراری روابط اهالی روستای گرازی کاهش صمیمیت‌ها را در پی داشته است. یکی از اهالی در این خصوص چنین گفت: «... این شهرک خیلی بزرگ است و همدیگر را نمی‌بینیم. حدود ۷۰-۶۰ خانه در اینجا هست که هرکدام حدود ۳۶۰ متر است و آدم احساس غربت می‌کند...».

نتیجه‌گیری

پیامدهای جابجایی سکونتگاهی روستای گرازی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی-کالبدی بروز یافته است که نقش پیامدهای فیزیکی - کالبدی در بروز سایر پیامدها مشهودتر است. برای مثال، عدم مشارکت اهالی برای برنامه‌ریزی و طراحی شهرک نمودی از عدم توجه به ابعاد اجتماعی جابجایی بوده است. مشارکت اهالی در مرحله ساخت، آن‌هم در قالب نیروی کار، بیانگر مشارکت ابزاری است که در قالب نارضایتی اهالی بروز کرده است. این یافته با نتایج مطالعه تلیت و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی دارد. شاید بتوان علت اصلی این موضوع را در کمبود زمان، اعتبارات، تخصص و نیز فوریت موجود در ورای اجرای طرح‌های جابجایی جستجو کرد. همچنین، عاجلانه بودن فرایند جابجایی به دلیل طبیعی بودن علت آن می‌تواند عامل مهم بهره‌گیری از مشارکت ابزاری به شمار آید. نکته حائز اهمیت آن است که احساس اهالی روستا مبنی بر مشارکت ابزاری در طرح جابجایی، نوعی پیامد اجتماعی منفی محسوب می‌شود که صرفاً در بافتی از پیامدهای فیزیکی-کالبدی ظهور یافته است؛ به عبارت دیگر، تلاش یک سویه برای برنامه‌ریزی و ساخت شهرک به بروز پیامدی اجتماعی منجر شده است. بدین ترتیب می‌توان دریافت ساختار فیزیکی-کالبدی ناشی از فرایندهای جابجایی به‌عنوان جنبه‌ای عینی از این فرایند، می‌تواند پیامدهای اجتماعی و حتی اقتصادی را به وجود آورد و یا

حتی آن‌ها را تشدید کند. در این زمینه، به نظر می‌رسد در مطالعات آتی، توجه به نقش پیامدهای اجتماعی و ارتباط آن با وضعیت فیزیکی-کالبدی روستاهای هدف جابجایی حائز اهمیت است. همچنین، اندازه شهرک در مقایسه با روستای سابق به قدری توسعه یافته است که در کاهش روابط اهالی نقش داشته و از این طریق صمیمیت اهالی کاهش پیدا کرده است.

نتایج نشان داد شهری شدن فضای روستا پس از فرایند جابجایی و ادراک اهالی از رعایت ضوابط و سبک‌های زندگی شهری به اهمیت مسائل بهداشتی و به تبع آن تأکید بر خروج دام منجر شده است. چنین تأکیدی ناشی از قشریندی جدید اجتماعی در شهرک گرازی است که دو قطب خوش‌نشین و دامدار را در تقابل هم قرار داده و بدین ترتیب احتمال رخداد تعارضات اجتماعی را بالا برده است. از نظر قشریندی‌های اجتماعی و تعارضات در حال شکل‌گیری ممکن است ساختارهای شغلی دامداری- در اثر خستگی دامداران- رو به نابودی گذارد که برای اقتصاد روستا امری حیاتی است. این یافته با نتایج مطالعات قراگوزلو و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی داشته و با نتایج سلیمان‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) همگرایی ندارد. این یافته‌ها به خوبی نشان می‌دهد که در روستای گرازی پیامدهای فیزیکی- کالبدی که ریشه در نوع برنامه‌ریزی دارد، آغازگر توالی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی است. در واقع، برنامه‌ریزی کالبدی بر مبنای اسلوب شهری و به دور از مشارکت واقعی ذی‌نفعان اصلی به افزایش اهمیت مسائل بهداشتی، تقابل میان اقشار اجتماعی فعال در روستا و به تبع آن تغییر شغل از دامداری به بخش خدماتی منجر شده است.

نتایج نشان داد ادراک اهالی روستای گرازی از افزایش بدهکاری‌ها، سبب افزایش پیامدهای نامطلوب اقتصادی طی فرایند جابجایی شده است. بر این اساس، می‌توان دریافت که بسیاری از پیامدهای مطلوب جابجایی سکونتگاهی (نظیر بهبود آب آشامیدنی، رهایی از مخاطرات سیل و غیره) در بستری از افزایش بدهکاری‌ها هرگز جلوه مثبت به خود نگرفته و نمود بیرونی نیافته است. به طور کلی، آنچه از تجارب روستای گرازی می‌توان به دست داد، آن است که پیامدهای جابجایی در وهله اول از طریق عینیت و شهود بروز یافته است. بدین معنا که اهالی این روستا در اولین گام به پیامدهایی اذعان داشتند که جنبه ظاهری زندگی آن‌ها را پوشش می‌داد. این پیامدها شامل وضعیت زیرساخت‌ها (آب، گاز و غیره)، اندازه قطعات مسکونی و مسائل بهداشتی بود. همچنین، یافته‌های مربوط به مطالعه این روستا نشان داد، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ناشی از فرایند جابجایی صرفاً به صورت مستقل رخ نداده‌اند و در بستری از پیامدهای فیزیکی- کالبدی ظهور یافته‌اند. در واقع، می‌توان این‌گونه استنباط کرد

که پیامدهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از جابجایی روستای گرازی در ساختاری از پیامدهای فیزیکی - کالبدی لانه کرده‌اند.

به طور کلی، تحقیق حاضر با چندین محدودیت روبرو بود که نتایج نیز بر پایه همین محدودیت‌ها تفسیر شد. با توجه به اینکه مطالعه حاضر از نظر زمانی با موعد بازپرداخت تسهیلات بانکی مقارن بود، بسیاری از اهالی روستای گرازی نسبت به اقدامات دولت در خصوص نوع و نحوه بازپرداخت تسهیلات منتقد بودند. از این رو، در مواقعی که اهالی روستای گرازی در مجاورت یکدیگر مورد مطالعه و پرسش‌گری محققان قرار می‌گرفتند، با تأثیرپذیری از نگرش یکدیگر، در خصوص فرایند جابجایی دیدگاه‌های افراطی اظهار می‌کردند که سعی شد از طریق مطالعه فردی اهالی، طی یک فرایند برش عرضی، اثر محدودیت یادشده بر نتایج تحقیق تا حدی کنترل شود. همچنین، در بدو مطالعه، برخی اهالی روستای گرازی به دلیل بدبینی مفرط نسبت به اقدامات دولتی در فرایند جابجایی، محققان (نویسندگان) را در قالب کارگزاران دولتی قلمداد کرده و تا حدودی از بیان واقعیت‌های جابجایی صرف نظر می‌کردند. در این زمینه، سعی شد از طریق اقامت طولانی‌مدت در روستا و ایجاد روابط دوستی و مبتنی بر صمیمیت، اعتماد متقابل حاصل شود و تا حدود زیادی ارب‌های ناشی از این ادراک سوگیرانه اهالی کنترل شود. لازم به ذکر است زمان سپری‌شده در خصوص جابجایی اهالی و نیز بازسازی مسکن متفاوت بوده و ممکن است گذر زمان تأثیر چشمگیری بر تغییر دیدگاه‌های اهالی داشته باشد.

پیشنهادها

با توجه به پیامدهای جابجایی سکونتگاهی روستای گرازی، پیشنهادهای زیر می‌تواند برای افزایش موفقیت طرح‌های جابجایی مد نظر قرار گیرد:

۱. به‌منظور جلوگیری از تفاسیر سوء از طرح‌های جابجایی‌ها و نیز افزایش موفقیت این طرح‌ها، پیشنهاد می‌شود، با در نظر گرفتن زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، مشارکت اهالی روستاها به‌طور فرایندی در تمامی مراحل جابجایی‌ها لحاظ شود.

۲. به منظور کاهش آثار منفی جابجایی سکونتگاهی، پیش از اجرای جابجایی، به‌جای توجه صرف به مسائل فنی، پیشینه فرهنگی و اجتماعی روستاها به صورت اجمالی مطالعه و بررسی شوند.

۳. به منظور جلوگیری از تقابل اقشار اجتماعی و نیز تغییر ساختارهای شغلی، در ابتدا نظام توزیع مسکن طوری طراحی شود که حساسیت اقشار خدماتی ساکن روستا نسبت به مسائل بهداشتی مربوط

به دامداری‌ها کمتر برانگیخته شود. در این راستا می‌توان با طراحی سایت جدیدی برای دامداری‌ها، طرح تفکیک مسکن روستایی از بخش‌های دامداری را فراهم آورد. با توجه به محدودیت‌های مترتب بر این پژوهش، پیشنهادها زیر می‌تواند برای مطالعات آتی مورد توجه قرار گیرد:

۱. جایگاه پیامدهای نامطلوب اقتصادی ناشی از جابجایی و نقش آن در بی‌اهمیت جلوه دادن سایر پیامدهای مثبت طرح‌های جابجایی سکونتگاهی طی مطالعات آتی مورد بررسی قرار گیرد.
۲. در مطالعات آتی اثر گذر زمان و نیز تقارن زمان انجام مطالعه با اقدامات صورت گرفته برای جابجایی مد نظر قرار گیرد و نتایج حاصل از مطالعات بر پایه این عوامل تفسیر شود.

منابع

- سلیمان‌زاده، س.، مهدویه، س.م؛ و سرتیپی‌پور، م (۱۳۹۳). ارزیابی جابجایی سکونتگاه‌های روستایی پس از زلزله (نمونه موردی: اسطوخ‌کوه بعد از زلزله سال ۱۳۶۹ در گیلان-زنجان). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، سال سوم، شماره ۵، صص ۴۳-۲۹.
- عینالی، ج؛ و ابراهیمی، ص (۱۳۹۳). ارزیابی اثرات جابجایی سکونتگاه‌های روستایی آسیب‌دیده از سانحه زلزله بر روی کیفیت زندگی ساکنان، مطالعه موردی روستای لک و طبل شکن. *سومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی*.
- قراگوزلو، ه.، عیسی‌لو، ع.الف؛ و گراوند، ف (۱۳۹۳). ارزیابی اثرات کالبدی - فضایی جابجایی در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان ملاوی، شهرستان پلدختر). *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۳۶-۱۲۵.
- محمدی استاد کلایه، الف.، مطیعی لنگرودی، س.ح.، رضوانی، م؛ و قدیری معصوم، م (۱۳۹۱). ارزیابی اثرات الگوهای راهبرد اسکان مجدد پس از بلایای طبیعی بر کیفیت زندگی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای جابجا شده شرق استان گلستان). *فصلنامه جغرافیا و مخاطرات محیطی*، شماره چهارم، صص ۵۰-۳۷.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۷). سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵: جمعیت به تفکیک تقسیمات کشوری (تا سطح آبادی)، استان خراسان رضوی. قابل دسترس در <https://www.amar.org.ir>

- Ambrosetti, E., & Petrillo, E. R (2016). Environmental disasters, migration and displacement. Insights and developments from L'Aquila's case, *Environmental Science & Policy*, Vol. 56, pp. 80-88.
- Atkinson, R (2000a). The hidden costs of gentrification: displacement in central London, *Journal of housing and the built environment*, Vol. 15, No. 4, pp. 307-326.
- Atkinson, R (2000b). Measuring gentrification and displacement in Greater London, *Urban studies*, Vol. 37, No.1, pp. 149-165.

- Bebbington, A., Bebbington, D. H., Bury, J., Langan, J., Muñoz, J. P., & Scurrah, M (2008). Mining and social movements: struggles over livelihood and rural territorial development in the Andes, *World development*, Vol. 36, No. 12, pp. 2888-2905.
- Belcher, J. C., & Bates, F. L (1983). Aftermath of natural disasters: Coping through residential mobility, *Disasters*, Vol. 7, No. 2, pp. 118-128.
- Black, R., Bennett, S. R., Thomas, S. M., & Beddington, J. R (2011). Climate change: Migration as adaptation, *Nature*, Vol. 478, No. 7370, pp. 447-449.
- Carspecken, P. F (1996). *Critical ethnography in educational research: A theoretical and practical guide*: Psychology Press, 200 pp.
- Cernea, M. M (2003). For a new economics of resettlement: a sociological critique of the compensation principle, *International social science journal*, Vol. 55, No.175, pp. 37-45.
- Downing, T. E (2002). Avoiding new poverty: mining-induced displacement and resettlement, *International Institute for Environment and Development London*, Vol. 52, 76 pp.
- Fernandez, W (2008). Paying the price for someone else's displacement, 88 pp. Retrieved from <http://infochangeindia.org/Agenda/Migration-isplacement/Paying-the-price-for-someone-else%E2%80%99s-displacement.html>.
- Gemenne, F (2011). Why the numbers don't add up: A review of estimates and predictions of people displaced by environmental changes, *Global environmental change*, Vol. 21, pp. 41-49.
- Gemenne, F., Brucker, P., & Ionesco, D (2013). The State of Environmental Migration 2013 – A review of 2012, *Institut du de 'veloppement durable et des relations internationales, Paris*, 24 pp.
- Gray, C. L., & Mueller, V (2012). Natural disasters and population mobility in Bangladesh. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 109(16), 6000-6005
- Grier, G. W., & Grier, E. S (1978). *Memo Report: Urban Displacement: a Reconnaissance: Prepared for the Office of the Secretary US Department of Housing and Urban Development*, 146pp.
- Hugo, G (1996). Environmental concerns and international migration, *International migration review*, pp. 105-131.
- Hunter, L. M (2005). Migration and environmental hazards, *Population & Environment*, Vol. 26, No. 4, pp. 273-302.
- Laczko, F & Aghazarm, C (2009). Migration, environment and climate change: Assessing the evidence. *International Organization for Migration Geneva*, 17 pp.
- Lopez, E., & Greenlee, A (2016). An ex-ante analysis of housing location choices due to housing displacement: The case of Bristol Place, *Applied Geography*, Vol. 75, pp. 156-175.
- Morrow-Jones, H. A. & Morrow-Jones, C. R (1991). Mobility due to natural disaster: Theoretical considerations and preliminary analyses. *Disasters*, Vol. 15, No. 2, pp. 126-132.
- Myers, N, (2002) Environmental refugees: a growing phenomenon of the 21st century, *Philosophical Transactions of the Royal Society of London B: Biological Sciences*, Vol. 357, No. 1420, pp. 609-613.
- Newman, S. J., & Owen, M. S (1982). Residential displacement: Extent, nature, and effects, *Journal of social Issues*, Vol. 38, No. 3, pp. 135-148.
- Parry, M. L (2007). *Climate change 2007-impacts, adaptation and vulnerability: Working group II contribution to the fourth assessment report of the IPCC*, Cambridge University Press, Vol. 4, 89 pp.
- Polit, D. F., & Beck, C. T (2004). *Nursing research: Principles and methods*: Lippincott Williams & Wilkins.
- Tilt, B., Braun, Y., & He, D (2009). Social impacts of large dam projects: A comparison of international case studies and implications for best practice, *Journal of environmental management*, vol. 90, pp. 249-257.
- Warner, K (2010). Global environmental change and migration: Governance challenges. *Global environmental change*, Vol. 20, No. 3, pp. 402-413.